

Historical Analysis of the Ahl al-Baytir Tradition of Dealing with Social Injuries*

*Mohammad Javad Yavari Sartakhti**¹*

Ali Yavari Sartakhti²

1. Assistant Professor of History, Baqer al-Uloom University, Qom (corresponding author)

Email: javadyavari@yahoo.com

2. Master student of Islamic History and Civilization, University of Education, Qom

Email: Aliyavari.s@gmail.com

Abstract

After the death of the Messenger of God and during the presence of the Ahl al-Bayt, contexts and factors had an impact on the occurrence or continuation of anomalies or social injuries that were outside the logic of Islam. Identifying the harmful axes on the one hand, recognizing the factors and contexts affecting them on the other hand and how the Shiite Imams as the reformers of the Islamic society deal with these injuries, the present study led to a historical analysis and To answer this fundamental question, what have been the strategies and solutions of the Ahl al-Bayt in the face of social injuries? This research method by using the method of biography and using the basic concepts in the knowledge of social history, while extracting the axes of damage and the grounds for its emergence, reacted to the infallible Imams and concluded that the social structures of the present age society, natural and human geography and Too much role Political factors caused the continuation of social injuries and the Ahl al-Bayt while dealing with them, adopted the necessary policies to strengthen society. They, while warning with a negative approach such as denying bigotry, reminding with a positive approach such as returning to the Prophetic tradition and the Holy Quran and in the field of political factors, by strengthening the government in the shadow and implementing poverty alleviation policies, establishing justice, fighting some Manifestations of corruption and the presentation of a model of social life achieved their goals by cultivating religion and religiosity.

Keywords: social injuries, harmful backgrounds, Ahl al-Bayt manners, ways to fight against injury and reform society.

*. This article has been extracted from the research project "Historical Analysis of Ahl al-Bayt Sira in the Face of Social Injuries" with the financial support of the Institute of Islamic Studies of Social Injuries of Shahed University

** . Date of Reception: 2021/09/19 , Date of Acceptation: 2021/11/26

تحلیل تاریخی سیره اهل بیت (علیهم السلام)

در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی*

محمد جواد یآوری سرتختی**

علی یآوری سرتختی^۱

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم (نویسنده مسئول)

Email: javadyavari@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف، قم Email: Aliyavari.s@gmail.com

چکیده

بعد از رحلت رسول خدا (ص) و در دوره حضور اهل بیت (علیهم السلام)، زمینه‌ها و عواملی بر بروز یا تداوم ناهنجاری یا آسیب‌های اجتماعی که خارج از منطق اسلام بود، تأثیر داشت. شناسایی محورهای آسیب‌زا از یک سو، شناخت عوامل و زمینه‌های مؤثر بر آن‌ها از دیگر سو و نحوه مواجهه امامان شیعه (علیهم السلام) به عنوان مصلحان جامعه اسلامی با این آسیب‌ها، پژوهش حاضر را بر آن داشت تا به تحلیلی تاریخی بپردازد و به این سؤال اساسی پاسخ دهد، راهبردها و راه کارهای اهل بیت (علیهم السلام) در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی چه بوده است؟ این پژوهش با روش سیره پژوهی و با بهره‌گیری از مفاهیم بنیادی در دانش تاریخ اجتماعی، ضمن استخراج محورهای آسیب و زمینه‌های ظهور آن، به واکنش امامان معصوم پرداخت و این نتیجه حاصل گردید که ساختارهای اجتماعی جامعه عصر حضور، وضعیت جغرافیای طبیعی و انسانی و نقش بسیار زیاد عوامل سیاسی باعث تداوم آسیب‌های اجتماعی گردید و اهل بیت (علیهم السلام) ضمن برخورد با آن‌ها، سیاست‌های لازم در تقویت جامعه را در پیش گرفتند. آنان، ضمن تذکر با رویکرد سلبی همانند نفی تعصب گرایی، تذکر با رویکرد ایجابی همانند بازگشت به سنت نبوی (ص) و قرآن کریم و در حوزه عوامل سیاسی نیز، با تقویت دولت در سایه و اجرای سیاست‌های فقرزدایی، برقراری عدالت، مبارزه با برخی مظاهر فساد و ارائه الگوی زندگی اجتماعی با دو رویه فرهنگی کردن دین و دینی کردن فرهنگ، اهداف خود را پیش بردند.

کلیدواژه: آسیب‌های اجتماعی، زمینه‌های آسیب‌زا، سیره اهل بیت (علیهم السلام)، راه کار مبارزه با آسیب و اصلاح جامعه.

* این مقاله از طرح پژوهشی «تحلیل تاریخی سیره اهل بیت (علیهم السلام) در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی» با حمایت مالی پژوهشکده مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی دانشگاه شاهد استخراج شده است.

** تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

مقدمه

در کنار مطالعات تاریخ سیاسی که بیشتر به حکومت‌ها و حکمرانی آنان می‌پردازد، مطالعه تاریخ اجتماعی به عنوان روشی جدید، به سبک زندگی، زندگی روزانه یا فعالیت‌های فردی و اجتماعی افراد و گروه‌ها، می‌پردازد. در این روش جدید، لایه‌های زیرین زندگی و وضعیت اجتماعی افراد در یک دوره تاریخی که معمولاً کمتر به آن توجه می‌گردد، مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، در مطالعات تاریخ اجتماعی، مورخ اجتماعی به نقل مسائل مهم اجتماعی از جمله هنجارها و ناهنجاری‌ها، آداب و رسوم و غیر این موارد که اهمیت خاصی دارند، می‌پردازد.

در کنار هنجارهای اجتماعی، یکی از محورهایی که کمتر به آن پرداخته می‌شود، آسیب‌های اجتماعی در یک دوره تاریخی است. فهم از این آسیب‌ها آن هم در یک دوره، ما را به این امر رهنمون می‌کند که در آن زمان چگونه آسیب‌ها شکل گرفته یا چه زمینه‌ها یا ادله‌ای یا عواملی بر شکل‌گیری و رشد آن‌ها تأثیر داشته‌اند؟ کیفیت یا کمیت این آسیب‌ها چگونه بوده است؟ آیا کسانی بوده‌اند تا در مقابل این آسیب‌ها واکنشی نشان دهند؟ نوع واکنش‌ها چه بوده است؟ آیا این واکنش‌ها آثار و نتایجی هم داشته است؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند تحلیل جامعی از گذشته به ما بدهد و ما را با بستر ظهور و گسترش آسیب‌ها آشنا کند.

یکی از مهمترین دوره‌های تاریخی که متأسفانه شاهد شکل‌گیری و حتی رشد آسیب‌های اجتماعی در آن هستیم، دوره حکمرانی خلفا، بنی‌امیه و بنی‌عباس و عصر حضور اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است. بررسی این دوره از آن جهت اهمیت دارد که ما بتوانیم تحلیل کنیم که محورهای آسیب‌های اجتماعی چه بوده است؟ چه زمینه‌ها یا عواملی بیشترین سهم را بر شکل‌گیری یا گسترش آسیب‌ها در این دوره داشته‌اند؟ نقش نخبگان جامعه اسلامی به ویژه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به عنوان کسانی که سیره و سنت آنان حجت است، در آگاهی بخشی یا اصلاح آسیب‌ها چگونه بوده است؟

لازم به ذکر است، اگرچه درباره مسئله مواجهه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) با برخی آسیب‌های اجتماعی در بسیاری از کتاب‌های عمومی به ویژه در آثار اخلاق اسلامی، مباحثی کلی مطرح شده است، اما تا کنون به صورت تخصصی به این محور پرداخته نشده است. تنها آثار مناسب تولید شده در این حوزه، کتاب سیره معصومان در فقرزدایی اثر محمدحسین علی‌اکبری و راهبردهای ائمه (علیهم‌السلام) در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی، تألیف سیدعلی رضا واسعی، است. در کنار محاسن زیاد این کتاب‌ها، ضعف این آثار در آن است که به زمینه‌های بروز آسیب‌ها یا توجه همه آن‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در کتاب نخست تنها فقرزدایی مد نظر بوده و به آن به عنوان یک آسیب یا زمینه‌های بروز آن توجه نشده است. کتاب بعدی نیز، تنها به سیاست‌گذاری برخی از معصومان در مواجهه با ناهنجاری‌ها سخن به میان آمده است و از دیگر مباحث پیرامونی غفلت ورزیده است. بنابراین، این پژوهش بر آن است تا ضمن بررسی گزاره‌های تاریخی و حدیثی و با

هدف کشف محورهای آسیب اجتماعی و زمینه‌های آن در عصر حضور، به تبیین اساس و روش اهل بیت (علیهم السلام) در مواجهه با آسیب‌ها بپردازد.

۱. محورهای آسیب اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی، به دسته‌ای از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری افراد یک جامعه چه به صورت فردی یا جمعی، اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، به هر نوع عمل فردی یا جمعی که با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی آن جامعه روبه رو می‌گردد، آسیب اجتماعی گفته می‌شود.^۱ ملاک در ناهنجاری یا آسیب و غیرارزشی بودن رفتار افراد نیز، متناسب با باورهای اعتقادی آن جامعه سنجیده می‌شود. بنابراین، مبنای تشخیص ناهنجاری در جوامع اسلامی، تخلف افراد از باورها، ارزش‌ها و رفتارهای هنجاری دین مبین اسلام است.

با آغاز بعثت رسول الله (ص)، دین اسلام به عنوان متن قانون اساسی، چارچوب مسیر حرکت جامعه را مشخص کرد. بیشتر مردمان جزیره العرب که خود را پابند به نظام اجتماعی جاهلیت می‌دانستند، در مقابل اسلام ایستادگی کردند، اما این پیامبر اکرم (ص) بود که با خلق نیکو و رفتارهای پسندیده اجتماعی خود،^۲ بر جامعه جاهلی تأثیر گذاشت و ضمن پیروزی بر مشرکان در تبدیل سبک زندگی مردم به نظام الهی نیز بسیار موفق بود.

اگرچه در جامعه اسلامی عصر نبوی (ص) هنوز کسانی بودند که حاضر به پذیرش دین نبوده و گاهی مرتکب ناهنجاری‌هایی می‌شدند، اما رسول الله (ص) به صورت جدی و به تناسب نوع رفتارها با آنان برخورد می‌کرد. بعد از رحلت رسول الله (ص)، با روی کار آمدن جریان سقیفه، متأسفانه خلفا به تغییر یا تحریف دین روی آوردند و بر همین اساس، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی اسلام نادیده گرفته شد و در کنار آن ناهنجاری‌های جاهلیت روی نمایان کرد؛ به گونه‌ای امیر مؤمنان علی (ع)، ضمن معرفی بدعت‌ها (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۵۸، ح ۲۱)، درباره ناهنجاری‌ها اجتماعی عصر خود چنین گلایه می‌کند: «در میان این مردم، انجام کارهای قبیح زیاد شده تا حدی که حیا رنگ باخته است؛ دروغ به گونه‌ای رایج شده است که به کمتر کسی می‌توان اعتماد کرد؛ اهل شر زیاد شده و از اهل خیر نشانی نیست. حق گویان اندک و ملازم حق ذلیل است. جوانان، بد اخلاق و پیران، گنه کار شده اند؛ علما منافق و قاریان قرآن از دین برگشته‌اند. کوچک ترها، بزرگان را احترام نمی‌کنند، ثروتمندان از فقیران دستگیری نمی‌کنند، مردم به سخنان من گوش نمی‌دهند، به عالم غیب ایمان ندارند و از عیب و خطای دیگران نمی‌گذرند؛ از

.....
<http://www.hamyaraniran.ir/article/?o=80>

۱. برای مطالعه بیشتر درباره مفهوم آسیب اجتماعی، ر.ک. سایت:

۲. «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَضَوْا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)

نظر آنان، معروف همان است که خود می‌گویند و به آن تمایل دارند و منکر همان است که آن را خوش نمی‌دارند؛ در مشکلات به خود پناه می‌برند و خدا را رها می‌کنند، در مهمات به نظر خود عمل می‌کنند و هرکس امام خویش است» (سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۳، ص ۳۵۳؛ لیشی، ۱۳۷۶، ص ۳۶۶)

بعد از جریان سقیفه، بنی‌امیه و بنی‌عباس روی کار آمدند. این دو گروه نیز همان سیره خلفای نخست را ادامه داده و جامعه اسلامی را به یک جامعه دور از اسلام تبدیل کرده و سنت نبوی(ص) را در بیشتر امور کنار گذاشتند (نسائی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۲۵۳)؛ به‌گونه‌ای که، ضمن شکل‌گیری اعتراضات علما، شاهد قیام‌های متعدد شیعی و غیر شیعی علیه حاکمیت آنان هستیم. بنابراین، در این دوران شاهد بروز و ظهور آسیب‌های اجتماعی هستیم که در جامعه خودنمایی می‌کرد؛ ناهنجاری‌هایی که عالم و بی‌سواد به آن گرفتار بودند. اکنون برپایه این تاریخ چه تلاش بر آن است تا با مطالعه منابع مربوطه، مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی جامعه اسلامی در عصر اهل‌بیت(علیهم‌السلام) شناسایی گردد؛ زیرا آگاهی از این امور، ما را در فهم و تحلیل دقیق تاریخ اجتماعی کمک می‌کند.

فقر، بی‌کاری، عصبیت جاهلی، اشرافیت، غش در معامله و اسراف (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۰۳) اسراف و تبذیر، احتکار، ربا (ابن‌حیون مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۸)، رشوه (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۸۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۲۵؛ جوهری، بی‌تا، ص ۴۹)، کم‌فروشی و گران‌فروشی، راهزنی (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۱۱)، ناامنی جامعه شیعه (تقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۲۵۵)، اختلافات و درگیری‌ها، ولگردی (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۰)، بیکاری (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۰-۲۹۹)، گدایی، معاملات حرام، ربا، طلاق، زنا، شراب خواری، رقص، ترانه خوانی زنان (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۶۷)، فساد اخلاقی و بی‌بندوباری (قمی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۴)، قمار (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۶، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۷، ج ۳)، تبعیض نژادی و مالی (ابن‌انس، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۲۰؛ ابن‌سلام، ۱۴۰۸، ص ۲۸۷)، دنیاگرایی، پایبندی به بدعت‌ها و سنت‌های جاهلی^۱ و ناسزاگویی به اهل‌بیت(علیهم‌السلام) و شیعیان آنان، از عمده آسیب‌های اجتماعی عصر خلفای نخست و عصر اموی و عباسی است که اهل‌بیت(علیهم‌السلام) به اصلاح و مبارزه با آن‌ها پرداخته‌اند.

۲. زمینه‌ها و عوامل گسترش آسیب اجتماعی

بعد از استخراج محورهای ناهنجاری‌ها یا آسیب‌های اجتماعی در عصر حضور اهل‌بیت(علیهم‌السلام)،

.....
۱. «همانند سخره کردن نسب و آسیب زدن به صورت و سر در هنگام عزاداری که رسول‌الله(ص) مردم را از انجام این رفتارهای جاهلی منع کرده است» (محمدبن‌علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ نعمان‌بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶).

اکنون باید بررسی کرد که در همان دوره تاریخی، چه زمینه‌ها یا عواملی بر ظهور و گسترش آن‌ها تأثیر داشته است. فهم این موضوع در یک دوره تاریخی به ما کمک می‌کند تا ضمن شناخت کافی از تاریخ اجتماعی مسلمانان در همان دوره، مجموعه‌ای از عوامل یا زمینه‌های را استخراج و در مقایسه با دیگر ادوار تاریخی، محورهای مشترک این دوره‌ها استخراج گردد. همچنین، نتیجه این گزارش می‌تواند کمک شایانی برای کسانی باشد که تصمیم بر اصلاح جامعه دارند. از آن جاکه ممکن است زمینه‌ها یا عوامل متعددی به صورت خرد یا کلان برای گسترش آسیب‌های اجتماعی وجود داشته باشد، در این پژوهش تنها مهمترین آن‌ها (کلان) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. مبانی نظام قبایلی جامعه

مبانی و ساختار سبک زندگی اجتماعی مردم جزیره العرب مبتنی بر نظام قبایلی بود. نظام قبیله‌ای آنان براساس نسب نامه‌ای واقعی یا غیر واقعی بر یک نیای مشترک قرار داشت که از آن، وضع اجتماعی و اخلاقی هر قبیله تبیین می‌گردید (علی، ۱۹۶۸، ج ۴، ص ۳۱۵). بنابراین، پایبندی بر این مبانی و ساختار برای مردم بسیار اهمیت داشت و از آن حراست می‌کردند. می‌توان گفت، تغییر آن بسیار ساده نبود و حتی حاضر بودند برای حفظ آن با جان خود را فدا کنند. چنان‌که مشرکان در مقابل رسول الله (ص) ایستاده و حاضر نبودند از آیین باطل خویش دست بردارند و بر استمرار آن پافشاری می‌کردند.^۱

قبل از اسلام، مبانی زندگی آنان را شرک و کفر تبیین می‌کرد. بعد از بعثت رسول الله (ص)، تعدادی از صحابه همانند سلمان، ابوذر، عمار، مقداد و دیگران تمام زندگی خود را بر مدار اسلام قرار دادند. بسیاری از صحابه و غیر آنان نیز اگرچه متأثر از اسلام، مسلمان شدند و تا حدودی بر پایه‌های معرفتی اسلام زندگی می‌کردند، اما همچنان تمایل به زندگی براساس نظام قبایلی خود را داشتند. در اثر همین تمایلات بود که شاهد دگرگونی رفتارها، باورها و ارزش‌های اجتماعی مردم و بازگشت آنان به فرهنگ جاهلیت نوین با پوشش اسلامی در جامعه هستیم. به عنوان نمونه، افزون بر تذکر قرآن بر وجود جاهلیت در رفتار برخی از مردمان،^۲ طبق شواهد تاریخی نیز شاهد آن هستیم که سی صد نفر از صحابی در کنار یکی از مساجد جُهنه در مجلس عروسی شراب نبیذ نوشیدند (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۲۶۳). همچنین، نزاع‌ها و رقابت‌های قومی قبیلگی هم چنان وجود داشت (واقفی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۲۲-۴۲۱). در گزارش دیگری، برخی مهاجران و انصار ضمن خوردن شراب، به فخرفروشی و رقابت‌های قبیلگی اهتمام داشتند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۴۶).

۱. «هذا الرجل الذي فرق جماعتنا و شئت أمرنا و عاب ديننا» (اسماعيل بن عمر بن كثير، البداية و النهاية، ج ۳، ص ۶۲).

۲. «وَلَا تَبْرَحْنَ نِيْحَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب: ۲۳).

بعد از رحلت رسول الله(ص) نیز، شاهد بسیاری از آسیب‌های اجتماعی هستیم که ریشه آن‌ها در همان جاهلیت و پیروی از نظام قبایلی بود. وضعی که جهل بر آن حاکم بود (قمی، ۱۳۵۶، ص ۲۲۸) و در نتیجه آن، برخی از مردم مرتد و از اسلام برگشتند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۴۳)، فساد اجتماعی علنی گردید، شراب‌خواری، رقص و آواز خوانی زنان در شهر مکه و مدینه نمود عینی داشت، بنی‌امیه مردم را در فساد آزاد گذاشتند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۶۷) و دستورات دینی و سنت‌های نبوی(ص) که ناظر به هنجارهای اجتماعی کنار گذاشته شد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۰۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۹). امیرمؤمنان علی(ع) درباره این وضعیت فرمود: «وضعیت امروز شما همانند آن روز شده است که خداوند، رسول خود را - برای هدایت آنان - مبعوث کرد» (سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶، ص ۵۷).

۲-۲. حاکمان نامشروع

یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر ظهور و گسترش آسیب‌های اجتماعی عصر حضور اهل‌بیت(علیهم‌السلام)، نقش حاکمان بود. آنان، به دلیل عدم پابندی به شرع و علاقمندی به سنت‌های جاهلی که میراث اجداد آنان بود (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۶۲)، از همان ابتدای ظهور اسلام تلاش داشتند تا زیر بار رفتارهای اجتماعی اسلام نروند؛ به عنوان نمونه، عمر در زمان رسول الله(ص) مرتکب شرب خمر گردید (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۹۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۹۳). مشرکان قریش نیز حاضر به تسلیم در برابر اسلام نبود، اما بعد از شکست در فتح مکه، دنبال فرصتی بودند تا به گذشته خویش بازگردند.

بعد از رحلت رسول الله(ص)، جریان سقیفه مقدمات بازگشت مردم به نظام جاهلی را فراهم کرد. تحریف و بدعت در سیره و سنت نبوی(ص)، آغاز این راه بازگشت بود. به عبارت دیگر، جریان سقیفه حدود ۲۵ سال مردم را با این نظام فکری که مسلمانی با ارتکاب ناهنجاری اجتماعی جاهلی منافاتی ندارد، تربیت کردند. به عنوان نمونه، خلیفه دوم، کسانی چون معاویه را که تا آخر عمر شراب می‌نوشید، به خدمت گرفت (ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۲ و ج ۵، ص ۳۴۷). تبعیض نژادی و مالی همواره مورد توجه خلیفه دوم بود (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۸). همچنین وی، مُغیره بن شُعبه را که با زن شوهرداری زنا کرده بود، با طرفندی مانع حد خوردن او شد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۶) و در عمل بر این رفتار زشت که مورد مؤاخذه قرآن است، چشم پوشی کرد. عثمان نیز، عامل بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی بود (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۳، ص ۳۶۱). وی، با شراب‌خواری علنی والیانی چون ولید بن عقبه کاری نداشت و حتی، دستور به زدن و تبعید عمار که از معترضان به ولید بود، داد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۸۳، ج ۵، ص ۵۱۳).

دگرگونی در سنت‌های اجتماعی نبوی(ص) توسط خلفا و اشتیاق آنان به ناهنجاری‌های اجتماعی چنان بود که

صدای بسیاری از نخبگان سیاسی جامعه را درآورد. چنان‌که خالد بن سعید بن عاص، بی‌پروا و صریح به نصیحت ابوبکر پرداخت و می‌گفت: «باید به سنت پیامبر (ص) عمل کند، بدعت‌ها را بزدايد و در احقاق حق مظلوم و یتیم کوشا باشد» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۸۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۷۳) این تغییرات حتی سبب بروز اختلاف بین قاضی و عالم در تشخیص هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی گردید. امیرمؤمنان علی (ع) درباره کیفیت این اختلافات فرمود: «دعوائی نسبت به یکی از احکام اجتماعی را نزد عالمی می‌برند که با رأی خود حکمی صادر می‌کند. پس همان دعوا را نزد دیگری می‌برند که او درست برخلاف رأی اولی، حکم می‌دهد» (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۸، ص ۶۱).

بعد از خلفا نیز، بنی‌امیه به دلیل عدم اعتقاد و پایبندی به دین (ابن حیون مغربی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۵۲) و کنارگذاشتن سنت نبوی (ص) (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۹۸، ص ۱۴۳)، بسیار ولع داشتند تا زودتر از دیگران به جاهلیت بازگشته و ضمن آن که نام رسول الله (ص) را نمادهای شرعی همانند اذان حذف کنند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۵۴)، به فسادهای جاهلی روی بیاورند. چنان‌که معاویه و یزید، در دوران خلافت شراب می‌نوشیدند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۶۴). بنابر گزارش مسعودی (م ۳۴۶ق): «فساد یزید بعد از شهادت امام حسین (ع) هم ادامه داشت. اصحاب و کارگزاران نیز، از فسق او پیروی کردند. در ایام وی، غنا در مکه و مدینه رواج یافت و لوازم لهو و لعب بکار رفت و مردم آشکارا شراب خواری کردند» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۷) وضعیتی که ناشی از کنارگذاشتن دین توسط او بود (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۲۰۰). ولید بن یزید بن عبدالملک نیز ضمن آن که به طور علنی شراب می‌خورد، امیر حج مسلمانان گردید. وی، سگی را همراه خود به مکه برد و تصمیم داشت بر بام کعبه نیز حرام سرایی درست کند و در آن شراب بنوشد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۰۹).

بنی‌عباس نیز همانند اسلاف خویش، نسبت به ناهنجاری‌های اجتماعی اقبال نشان داده و بر ترویج آن کوشیدند. بنابر گفته مالک بن انس (م ۱۷۹ق): «مردم خارج از مدینه بر اساس احکام صادره از سوی خلفا عمل می‌کردند» (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۵۸) تأثیرات بی‌مبالاتی و ترویج ناهنجاری‌های اجتماعی از سوی خلفای عباسی بر جامعه اسلامی چنان بود که حتی برخی شیعیان نیز احکام زناشویی، طلاق و مانند این‌ها را نمی‌توانستند به آسانی از امام صادق (ع) بپرسند؛ لذا خود را در قالب خیارفروش به امام رسانده و پاسخ سؤال‌ها را دریافت می‌کردند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۳۸).

می‌توان گفت، سکوت در برابر فساد، بی‌توجهی به حقوق شرعی مردم، تحریف و بی‌توجهی به سیره و سنت نبوی (ص)، کنار گذاشتن قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)، حمایت یا ترویج رفتارها، باورها و ارزش‌های ناهنجار از سوی خلفا و حکمرانان اموی و عباسی، بیشترین سهم را در ظهور و گسترش آسیب‌های اجتماعی داشت. آنان، مترصد بودند تا مردم را براساس فرهنگی اجتماعی مورد قبول خویش تربیت کنند؛ بنابراین، در مقابل هر جریان

ارزشی واکنش نشان می‌دادند و نتیجه آن گردید که ناهنجاری‌های اجتماعی برای مردمی که از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) دور بودند، به عنوان یک هنجار به حساب می‌آمد.

در نقد روش حکمرانان نامشروع می‌توان گفت، امیرمؤمنان علی (ع) مبتنی بر روایت رسول خدا (ص)، اظهار می‌داشت که خلیفه باید آگاه‌ترین فرد به سنت نبوی (ص) باشد (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۹۵، ۲۲۱، ۱۵۸). ایشان همچنین در خطاب به قریش، تسلط بر قرآن و سنت نبوی (ص) را شرط خلافت می‌دانست (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳۰۷)؛ زیرا پایه و زمینه اصلی هدایت و تعیین اولویت‌های فرهنگی و اجتماعی مسلمانان، بر محور سنت نبوی (ص) است و اگر این سنت تحریف گردد، جامعه برمردار انحراف و ناهنجاری‌ها حرکت کرده و سعادت مندی دنیوی و اخروی معنا پیدا نمی‌کند.

۲-۳. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی

یکی دیگر از زمینه‌های ظهور و گسترش آسیب‌های اجتماعی عصر حضور اهل بیت (علیهم‌السلام)، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. این نابرابری نیز، به طور عمده حاصل حکمرانی خلفا و حکمان نامشروع است. بی‌توجهی و افسارگسیختگی آنان نسبت به عدالت اسلامی در برداشت و تقسیم بیت‌المال چنان بوده است که طبقات اجتماعی جاهلی را در جامعه اسلامی زنده کرد و خلیفه دوم و سوم نیز به همین دلیل کشته شدند. امیرمؤمنان علی (ع) درباره عثمان می‌فرماید: «سرانجام نفر سومی از میان آن جمع به خلافت رسید، درحالی که پهلویش - از پرخوری - برآمده بود و همتی جز خوردن و خالی کردن شکم نداشت. خویشاوندان پدری اش از بنی‌امیه نیز با او به قدرت رسیدند. آنان، همچون شتران گرسنه‌ای که در بهاران در علفزار، گیاهان را با حرص و ولع می‌بلعند، بیت‌المال را خوردند و سرانجام رشته‌های وی در امر خلافت پنبه شد و کردار ناشایست او کارش را تباہ ساخت و شکم بارگی نابودش کرد» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳، ص ۳۶۱)

دنیانگرایی (سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۳، ص ۴۹)، پیامدهای ناهنجار اخلاقی و عقیدتی را به دنبال آورد و خلق و خوی اشرافیت جاهلی را زنده کرد؛ زیرا در آن عصر جامعه به دو قشر ثروتمند چپاول گر و تهیدست رنج کش تقسیم شده بودند و هرکس دستش می‌رسید بر زر و زیور و تجملات خویش می‌افزود و اکنون پس از رحلت رسول اکرم (ص) و در دوران خلفا، درست وضع به روز اول طلوع فجر اسلام برگشت و حرص و ولع به زخارف دنیا در دلها زنده شد؛ می‌توان گفت، رشد فقر از تبعات رشد روحیه اشرافیتی و دنیانگرایی بود که خلفا، بنی‌امیه و بنی‌عباس به جامعه تزریق کردند. به تعبیر امیرمؤمنان علی (ع): «به هر سو می‌خواهی نگاه کن! آیا جز فقیری که با فقر دست به گریبان است، یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده، کس دیگری را می‌بینی؟» (سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۲۹، ص ۱۸۷)

۲-۴. فراموشی سیره و سنت نبوی (ص) و علوی (ع)

از دیگر زمینه‌های فرهنگی مهم که بر شکل‌گیری و گسترش هنجارهای اجتماعی اسلامی تأثیر بسیاری داشت و دست رد بر سینه ناهنجاری‌های جاهلی می‌زد، قرآن و سیره و سنت نبوی (ص) بود، اما متأسفانه مبانی نظام جاهلی، تمایلات دنیوی مردم و نقش خلفا در کنار گذاشتن این منابع، بستری را فراهم کرد تا عموم مردم و حتی نخبگان نیز به تحریف یا بدعت در آن‌ها پردازند و نتیجه آن گردید که آسیب‌های اجتماعی بزرگ و زیادی در جامعه اسلامی نمایان گردید. چنان‌که امیرمؤمنان علی (ع) اظهار می‌داشت: «هیچ بدعتی پیدا نشد، مگر آن که سنتی ترک گردید» (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه: ۱۴۵، ص ۲۰۲).

طبق شواهد تاریخی، برخی از نخبگان یا همان عالمان دینی عصر خلفای نخست و امویان نیز به فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی متمایل شدند و مردم را نیز از آن منع نمی‌کردند. وضعیتی که بنابر گزارش‌های متعدد ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق): «در محیط مدینه، نه قاضیان و نه عالمان ترانه خوانی را زشت می‌شردند و نه عابدان با آن مخالف بودند؛ به طوریکه فریاد آوازه خوانان از آن شهر به گوش می‌رسید» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۶۷، ج ۶، ص ۳۰۵).

امیرمؤمنان علی (ع) درباره نقش عالمان در آسیب‌های اجتماعی می‌فرماید: «آری تیزهوشانی را می‌یابم که دین را وسیله دنیا قرار داده و با نعمت‌های خدا بر بندگان و دوستان خدا فخر می‌فروشدند. فرد دیگری که سخت در پی لذت بوده و اختیار خود را به شهوت داده است، یا آن که در ثروت اندوزی حرص می‌ورزد، هیچ کدام از آنان نمی‌توانند از دین پاسداری کنند و بیشتر به چهارپایان چرنده شباهت دارند» (سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت: ۱۴۷، ص ۴۹۶). امام حسین (ع) نیز فرمود: «مردم بنده دنیا شده و دین را تا آن جا می‌خواهند که زندگی خود را با آن سامان دهند» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۵).

بخشی از آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه ناشی از بی‌مبالاتی مردم نسبت به سنت و سیره نبوی (ص) و علوی (ع) بود و نتیجه آن گردید تا هر کسی به راحتی مرتکب هر نوع رفتار ناهنجار اجتماعی گردد. به عنوان نمونه، شراب خواری به یک رسم در میان مردم شام تبدیل شده بود (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۷). در گزارش دیگری، عده‌ای از مسلمانان عجم نزد امیرمؤمنان (ع) آمدند و گفتند: «ما برای شکایت از دست اعراب به نزد تو آمده‌ایم؛ آنان برخلاف سیره رسول خدا (ص) درباره ما مساوات را رعایت نمی‌کنند. امیرمؤمنان (ع) نزد اعراب رفت و در این خصوص با آنان سخن گفت» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۱۹-۳۱۸، ح ۵۹) همچنین، به نقل از سخنان قاضی ابویوسف، هیچ شخص محترم و غیر محترمی از ترانه خوانی و لهر و لعب ابایی نداشت (ابن عبدربه، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۱). همچنین، در عصر امویان، در مدینه مجالس رقص و آواز مختلط تشکیل می‌گردید؛ بدون آن که در میان زنان و مردان پرده‌ای باشد. عایشه، دختر طلحه بزم‌های مختلط از زن و مرد ترتیب می‌داد و در آن عزه المیلاء نیز آواز می‌خواند (شوقی ضیف، بی‌تا، ص ۵۰).

در عصر عباسیان نیز، شراب خواری، غنا به ویژه رواج خوانندگی زنان و نوازندگی با عود (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۲۰، ح ۲)، از جمله معضلات اجتماعی بود که باعث آزار مردم می‌گردید. چنان‌که شیعیان از این وضعیت نزد امام صادق (ع) شکوایه کردند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۶). همچنین، یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی، توهین، تحقیر و تمسخر شیعیان با عبارت‌هایی همانند: جعفری خبیث و نسبت ناروا و عدم پذیرش شهادت آنان بود (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۴، ص ۱۰۳).

۳. راه کارهای اهل بیت (علیهم السلام) در مواجهه با آسیب‌ها

اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان برگزیدگان الهی که هدایت مادی و معنوی بشر را بر عهده دارند و آن را وظیفه خود می‌دانند، ضمن آن که بر آسیب‌های اجتماعی و منشأ آن‌ها اشراف داشتند، نسبت به کنترل، مبارزه و اصلاح آن‌ها نیز راهبردها یا سیاست‌گذاری‌های لازم را به کار می‌بستند و بر پایه همان‌ها راه کارها یا اقدامات لازم را انجام می‌دادند.

۳-۱. حکمرانی حاکم مشروع الهی

اهل تسنن قائل به حق خلافت سه خلیفه نخست، بنی امیه و بنی عباس هستند، اما این دیدگاه، از منظر امامیه و حتی طبق شواهد تاریخی و حدیثی خود آنان نیز باطل است؛ زیرا خلافت خلفا مبتنی بر نصی از رسول الله (ص) نبوده و بلکه آن حضرت همواره بر تعیین الهی خلیفه تأکید داشتند. به عنوان نمونه، رسول الله (ص) خطاب به رئیس قبیله بنی عامر به نام یحیة بن فراس فرمود: اختیار این امر (خلافت) به دست خدا است و آن را هر کجا که بخواهد، قرار می‌دهد» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۰).

خلفای نامشروع به دلیل عدم برخورداری از علم الهی، نداشتن عصمت و قدرت بر تدبیر امور، حتی توان پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی مردم را نداشتند. آنان در بیشتر موارد پایبند به شریعت نبوده و سیره و سنت نبوی (ص) را نیز تغییر می‌دادند. بنابراین، آنان در عمل پایه گذار یا مروج بسیاری از آسیب‌های اجتماعی گردیدند؛ برخلاف این رویه، از منظر امامیه، کسی حق خلافت بر دین و دنیای مردم را دارد که دارای شئون علم به دین، دارای مقام عصمت و زعامت بر جامعه باشد. آنان دوازده امام هستند که خداوند به عنوان خلیفه منصوب کرده و رسول الله (ص) نیز آنان را به مردم معرفی کرده است. بنابراین، طبق فرمایش امیرمؤمنان علی (ع)، «جامعه اصلاح نمی‌گردد، مگر آن که حاکمان اصلاح گردند» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۳۵۳، ح ۵۵۰). همچنین، از منظر ایشان، یکی از راه کارهای جلوگیری و اصلاح هرج و مرج و چنین آسیب‌هایی، وجود حاکمی الهی و آگاه به کتاب و سنت است. حاکمی که بتواند ضمن ایجاد امنیت، به کنترل رفتارهای اجتماعی مردم بپردازد. نتیجه چنین حکومتی آن می‌گردد که مردم پرهیزکار نیز به خوبی انجام وظیفه می‌کنند (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه: ۴۰، ص ۸۲).

براساس روایات معصومان، امام جامعه برای اصلاح جامعه و جلوگیری از مفسدات اجتماعی وظایفی دارد. اجرای حدود الهی، هدایت جامعه در جهت تأمین نیازهای دین و دنیا، حراست از دین خدا و تلاش برای برپایی آن، بخش‌هایی از وظایف آنان است چنان‌که امام حسین فرمود: «من برای نجات و اصلاح در امتّ جدّم - رسول الله (ص) - قیام کرده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدّم و پدرم علی بن ابی‌طالب (ع) عمل کنم» (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۲۱؛ ابن‌نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۴). امام رضا (ع) نیز فرمود: «امام دعوت‌کننده مردم به سوی خدا، مدافع حرمت‌های الهی و برپاکننده حدود الهی است» (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱۸). امام هادی (ع) نیز فرمود: «آنان پیشوایان امت، سیاست‌گذاران مردم و پایه‌های شهرها هستند» (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۱۵).

نقشی که حکمرانی معصومان در کنترل و اصلاح آسیب‌های اجتماعی داشته است، قابل‌شهود تاریخی و بی‌نظیر است. برخی از آنان که حکومت داشتند، سعی نمودند تا در فرصت‌هایی که برایشان فراهم می‌گردید، اقدامات لازم را در اصلاح بسیاری از ناهنجاری‌هایی که از طریق حاکمان قابل پیگیری است، انجام دهند. به عنوان نمونه، امیرمؤمنان علی (ع) بر مبارزه با راهزنی، بی‌کاری، فقر، تبعیض نژادی و احتکار بسیار تأکید داشت و نتایج خوبی نیز حاصل گردید. به عنوان نمونه، آن حضرت، اگر شخصی را زندانی می‌کرد و معلوم می‌گردید که چیزی ندارد و نیازمند است، او را از زندان آزاد می‌کرد تا این که - با کار کردن، - مالی را به دست آورد و بدهی خود را ادا نماید (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۰۰-۲۹۹). ایشان، خطاب به جابرین عبدالله (سیدرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۲، ص ۵۴۱) یا در نامه‌ای به قثم بن عباس، دستور داد تا از اموال بیت‌المال در اختیار عاقله مندان و نیازمندان و تهیدستان قرار دهند (سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه ۶۷، ص ۴۵۸-۴۵۷). به مالک اشتر نیز دستور داد تا فقرا را فراموش نکرده و بخشی از بیت‌المال را به آنان اختصاص دهد (سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۹). نتیجه این تلاش‌ها در رفع آسیب فقر آن گردید که امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «من - به سبب عدالت - لباس عافیت بر تن شما پوشاندم. در کوفه همه زندگی مناسبی دارند؛ صاحبان پایین‌ترین مشاغل نان گندم می‌خورند، خانه دارند و از آب گوارا می‌نوشند» (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۵۷؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۹).

۲-۳. مرجع قرار دادن سیره و سنت نبوی (ص)

راه کار دیگر اهل‌بیت (علیهم السلام) برای کاستن آسیب‌های اجتماعی، ارجاع مسلمانان به کتاب خدا و سیره نبوی (ع) بود. به عبارت دیگر، افزون بر تقویت و توجه دادن مردم به خودکنترلی یا تقوای الهی و معنابخشی به زندگی، آموزش و پایه قرار دادن قرآن و سنت نبوی (ص)، کمک شایانی به مردم می‌کند تا رفتارها، باورها و ارزش‌های خود را براساس آن منطبق کنند؛ زیرا سنت نبوی (ص) حجت بوده و عدول از آن جایز نیست. به عنوان

نمونه، امیرمؤمنان علی(ع) در راستای مبارزه با تبعیض مالی و نژادی، بر نحوه تقسیم اموال بر پایه سیره و سنت نبوی(ص) تأکید کرد؛ به گونه‌ای که آنان نیز به این سنت اعتراف کردند (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۱). ایشان همچنین، فرمودند: «دفاتر حقوق و عطایا را که پیش تر بر ملاک‌های طبقاتی تعیین شده بود، از بین بردم و مانند سنت رسول خدا(ص) سرانه را به مساوات تقسیم کردم و آن را در دست کاگزار نااهل قرار ندادم» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۶۱-۶۰، ح ۲۱).

توجه امیرمؤمنان علی(ع) با موالی و غیر عرب تا جایی بود که آنان به نزد امام آمده و از وضعیت رفتار ناپسند اعراب شکایت می‌کردند. به عنوان نمونه، عده‌ای از مسلمانان غیر عرب نزد امیرمؤمنان(ع) آمدند و گفتند: «ما برای شکایت از دست اعراب به نزد تو آمده‌ایم؛ آنان برخلاف سیره رسول خدا(ص) درباره ما مساوات را رعایت نمی‌کنند. امیرمؤمنان(ع) نزد اعراب رفت و در این خصوص با آنان سخن گفت؛ اما آنان گفتند: ای اباالحسن! ما چنین نمی‌کنیم؛ امام خشمناک از نزد آنان در آمد و خطاب به موالی فرمودند: ای مسلمانان غیر عرب! اینان به اندازه‌ای که خود می‌گیرند، به شما نمی‌دهند؛ شما به کسب و بازرگانی پردازید، خدا به شما برکت می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۱۹-۳۱۸، ح ۵۹).

۳-۳. مبارزه با نابرابری‌های مالی و نژادی

بیان گردید که یکی از زمینه‌های ظهور و گسترش آسیب‌های اجتماعی، نابرابری اقتصادی و اجتماعی بود. دنیاگرایی یا تجمل‌گرایی، بازگشت تعصبات قومی و روحیه عجم ستیزی از دست آوردهای نابرابری‌ها بود. به عنوان نمونه، خلیفه دوم، عرب را بر عجم، عرب خالص را بر موالی، مسلمانان نخست را بر سایر مسلمانان، مهاجران قریش را بر سایر مهاجران و به طور کلی همه مهاجران را بر انصار برتری داد (بن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۱۱). وی همچنین، اظهار داشت: «هرکس زبان فارسی را بیاموزد ناپاک و نجس می‌گردد و هرکس ناپاک گردد، از مروت او کاسته می‌گردد» (ابن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۰۸).

در مقابل این سیاست اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، امیرمؤمنان علی(ع) بر رعایت عدالت تأکید و اهتمام جدی داشت (سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱، ص ۱۸۹) و حتی به عقیل برادرش، ام‌هانی خواهرش و عبدالله بن جعفر برادرزاده و دامادش هم سهم بیشتری نداد (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۳۷۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۰). ایشان در مسائل نژادی نیز، بر تقوا به عنوان معیار در برتری تأکید داشت (منقری، ۱۴۰۴، ص ۱۰) و در عمل نیز مخالف عصبیت و تبعیض بود و بر رابطه احسن با مردم تأکید می‌ورزید و به تعبیر مُغیره، تمایل و مهربانی علی(ع) با موالی بسیار بود و عمر، از موالی بی‌زار بود (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۴۹۹).

امیرمؤمنان علی(ع) در دوران خلافت خود به شدت با غرور، خودپسندی و تعصب جاهلیت مبارزه کرد.

ایشان، شراره‌های کینه‌های جاهلی را حسادت، تکبر و خودپرستی می‌دانست و آن را از آفت‌های شیطان معرفی می‌کرد و به همین رو تلاش وسیعی را برای سرکوب اشرافیت قبیله‌ای و تفاخرات جاهلی آغاز نمود؛ آن سان که فرمود: «زَنهار از پیروی بزرگان‌تان! آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند و خود را بالاترا ز همه می‌پندارند و نعمت‌های خدا را نادیده انگارند. آنان شالوده تعصب جاهلی و ستون‌های فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند. شما را به خدا سوگند، از کبر و تعصب جاهلی برحذر باشید که مرکز پرورش کینه، بغض و جایگاه وسوسه‌های شیطان است» (سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۹-۲۸۷). امیرمؤمنان علی (ع)، در خطبه قاصعه نیز بر حسادت، حمیت و تعصبات جاهلی قومی قریش به عنوان عامل جدایی از نظام توحیدی تأکید نموده و آن را از عمل شیطان معرفی کردند (سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۶).

۳-۴. هدایت‌گری و جامعه‌پذیر کردن مردم

برای مبارزه با آسیب‌ها یا همان اصلاح و جلوگیری از گسترش آن، چند راه کار در سیره معصومان دیده می‌شود. راه کار نخست، افزون بر بیان آسیب‌ها، توجه دادن مردم به آثار منفی ناهنجاری‌ها یا به اصطلاح نهی از منکرات اجتماعی و بیان تأثیر آن‌ها بر تخریب جامعه اسلامی و هبط شدن اعمال انسان بود. به عبارت دیگر، مبارزه منفی یا بیان تأثیرات ناهنجاری‌ها و تذکر دادن مردم به ترک رفتارهای زشت اجتماعی بود. راه کار دیگر آنان، جامعه پذیر کردن مردم، هدایت‌گری و تبیین فلسفه رفتارهای نیکو و زشت اجتماعی با هدف ساخت جامعه مطلوب بود. در گام سوم نیز، برای رفع و دفع رفتارهای ناهنجار برخی از متخلفان که حاضر به اصلاح نبوده و بر گسترش آسیب‌ها و ایجاد ناهنجاری‌ها دامن می‌زنند، حدود الهی را اجرا می‌کردند تا امنیت اجتماعی حاصل گردد.

۳-۴-۱. هدایت‌گری مردم بر ترک ناهنجاری‌ها

۳-۴-۱-۱. نهی از منکر

بیان گردید که یکی از روش‌های اهل بیت (علیهم السلام) در ساختن جامعه اجتماعی مطلوب، نهی از منکرات و ناهنجاری‌های اجتماعی بود؛ زیرا در جامعه‌ای که دست خوش تحریفات زیادی شده بود و به جای نهی از منکر، منکرات امری پسندیده به حساب می‌آمد، معرفی منکر اجتماعی اهمیت بسیاری داشت؛ از این رو، آنان سعی داشتند تا آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی را که حاصل ترک نهی از منکر است را به مردم معرفی کنند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱). به عنوان نمونه، امیرمؤمنان علی (ع)، کارگزاری چون زیادبن ابیه را از اسراف کاری نهی می‌نمود (سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه ۲۱، ص ۳۷۷). همچنین امام باقر (ع) خطاب به شیعیانی که دچار رفاه زدگی و دنیاگرایی شده بودند، فرمود: «بد برادری است آن برادری که در زمان توانگری حق تو را نگهدارد و در هنگام فقر و احتیاج رشته دوستی خود از تو ببرد» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۶) آن حضرت، پیروان خود را از داشتن تعصبات جاهلی همانند حسب و نسب در روابط اجتماعی نهی و آن‌ها را مذموم

می‌شورد و به کسانی چون عُبَّه بن بَشیر اسدی فرمودند: «کسی را بر کسی برتری نیست جز به وسیله تقوی» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۲۸، ح ۳).

برخی از منکرات اجتماعی که بسیار رواج داشت و باعث ضررهای زیادی به جامعه بودند، همواره توسط اهل بیت (علیهم السلام) مورد نهی قرار می‌گرفت. به عنوان نمونه، امام صادق (ع) مردم را از تنبلی و گدایی کردن (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۷۸، ح ۴) و قماربازی (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۶) نهی می‌فرمود. امام کاظم (ع) نیز از خرید و فروش مال چپاول شده و خوردن سود حاصل از قمار با گردو، نهی می‌فرمود (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۷، ص ۳).

۳-۴-۱-۲. بیان آثار ناهنجاری‌ها

روش دیگر معصومان، بیان و تبیین آثار زیان بار ناهنجاری‌های اجتماعی بر سبک زندگی انسان و جامعه اسلامی بود؛ زیرا بیان خطرات برخی از آسیب‌های اجتماعی برای مردم، نقش بصیرت‌افزایی داشته و با ایجاد ترس، مخاطب را در آگاهی نسبت به عمل آگاه کرده و باعث کاهش جرم می‌گردد و حتی مخاطبان را به مسیر درست و انجام هنجارهای اجتماعی ترغیب کند. به عنوان نمونه، طبق فرمایش امام باقر (ع)، امیرمؤمنان علی (ع)، هر بامداد همراه با تازیانه، در بازارهای کوفه یکی پس از دیگری می‌گشت و بر سر هر بازار می‌ایستاد و به همه بازاریان، می‌فرمود: «ای کاسبان! از خدا طلب خیر و برکت کنید. با خریداران صمیمی باشید؛ بردباری - با مشتریان - را زینت خود سازید؛ از دروغ گفتن و سوگند یاد کردن خودداری ورزید؛ از ظلم دوری گزینید؛ با کسانی که - در ضمن خرید و فروش - به آنان ستم شده است با انصاف رفتار کنید؛ ربا نخورید؛ پیمان‌ها و ترازو را درست بدهید و کالای مردم را تخریب نکنید» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۵۱، ح ۳) لذا ایشان، هر وقت از بازار عبور می‌کرد این اشعار را می‌خواند: «لذت‌ها خواهد گذشت و هرکس که حرامی مرتکب شود، گناه و ننگ برای او می‌ماند و سرانجام زشت در عاقبت برای او می‌ماند، هیچ خیری که به دنبالش آتش باشد، نیست» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۰، ص ۴۹۷)

۳-۴-۲. بیان حکم و عقاب رفتارهای اجتماعی

بیان حکم شرعی رفتارهای نامشروع نیز یکی از اقدامات هدایت‌گری اهل بیت (علیهم السلام) بود. آنان احکام را بیان می‌کردند تا کسانی که نمی‌دانند آگاه شوند و اگر کسی هم عقاب رفتاری را نمی‌داند، متنبه گردد. برپایه این اهمیت بود که امیرمؤمنان علی (ع)، احکام کسب و کار بود در بازار را روزی دو مرتبه به بازاریان چنین یادآوری می‌کرد: «ای گروه تجّار! اول یادگرفتن احکام معاملات و بعد تجارت» (بن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۹۵). بنابر برخی اخبار، ایشان، هنگام ورود به بازار، در آغاز به آنان سفارش می‌کرد، اول فقه تجارت (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۹۱) را خوب بیاموزند و بعد تجارت کنند، تا دچار ربا نشوند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۵۴، ح ۲۳).

بیان حکم شرعی شراب خواری نیز که به یک عادت ناهنجار اجتماعی در مجالس ثروتمندان و خلفا تبدیل شده بود، بخشی از اقدامات امام صادق (ع) بود. ایشان، هنگامی که در حیره بود، یکی از کارگزاران منصور یک مهمانی بزرگ تدارک دید و امام را نیز دعوت کرد. امام با دیدن شراب در سر سفر بلند شد و فرمود: «ملعون است کسی که بر سر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب می‌خورند» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱) در گزارش دیگری ضمن نهی از قمار، به تبیین حرمت شرب خمر پرداخت. ایشان با استناد به آیات الهی^۱ علت حرمت شرب خمر را برای مهدی عباسی تبیین نمود و مهدی اعتراف به توان فقه امام کرد (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۰۶، ح ۱). تبیین حکم زنا و همجنس بازی نیز یکی از آسیب‌های اجتماعی و اخلاق جنسی دوره امام صادق (ع) بود؛ زیرا چندین مرتبه این سؤال از امام صادق (ع) پرسیده شده است (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۰۳، ح ۲). چنان‌که جمعی از زنان مدینه نزد آن حضرت رفتند و از همجنس بازی (مساحقه) پرسیدند. آن حضرت فرمود: «حد آن زنا است. زنی پرسید، این کار در قرآن مورد نهی قرار نگرفته است؟ امام فرمود: بله! پرسیدند: کجای قرآن آمده است؟ امام فرمود: آنان اصحاب رس بودند» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۵۱، ح ۱، ج ۷، ص ۲۰۲، ح ۱).

۳-۴-۳. پیشگیری از آسیب اجتماعی

یکی از راه‌های کاهش یا درمان آسیب‌های اجتماعی، توجه و تأکید بر پیش‌گیری از بروز آسیب است. به عبارت دیگر، برای جلوگیری از جرم یا بروز ناهنجاری‌ها، باید به مردم آگاهی لازم را داد. به عنوان نمونه، برای جلوگیری از طلاق، آنان به شیعیان خود سفارش می‌کردند تا با هر گروهی از جمله مخالفان خود ازدواج نکنند یا از کسانی همسر انتخاب کنند که به جدایی منجر نگردد. چنان‌که امام صادق (ع)، زُراره را از ازدواج با مرجئه، خوارج و ناصبی‌ها پرهیز داد (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۴۹، ح ۸، ج ۲). امام رضا (ع) نیز حسین بشار واسطی را از ازدواج با یک دختر بد اخلاق، نهی کرد (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۶۳، ح ۳۰). نتیجه این اهتمام آن گردید که هشام بن حکم از شاگردان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) حاضر به ازدواج دخترش با عبدالله بن یزید خارجی مذهب نگردید (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۹۴).

بی تردید یکی از راه‌های پیش‌گیری از آسیب، توجه به حقوق اجتماعی افراد جامعه است. اصلی که مورد توجه اهل بیت (علیهم السلام) بود و بر رعایت آن اهتمام جدی داشتند. توجه به حق کارگران و تأمین نیازهای فقرا، پرهیز از ظلم و تضییع حق مردم، مبارزه با ویژه خواری و پارتی بازی (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۶۷-۶۶) و اعطای حقوق همگان یا ستاندن حقوق آنان از تضییع کنندگان، از اموری است که در صورت بی‌توجهی به آن‌ها آسیب‌های

۱. «فَلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (اعراف: ۳۳)؛ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَتَاعٌ لِلنَّاسِ لَلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹).

غیرقابل جبرانی در جامعه روی می‌دهد. برپایه این اهمیت است که امیرمؤمنان علی(ع) به حقوق اجتماعی مسلمانان عنایت ویژه داشت. به عنوان نمونه، روزی امیرمؤمنان علی(ع) در کوفه به پیرمردی سالمند و نابینا برخورد کرد که دست دراز کرده بود تا مردم به او کمک کنند. آن حضرت، وجود چنین منظری را ناپسند شمرد و با تعجب پرسید این مرد کیست؟! مردم گفتند: این مرد مسیحی است. توان کارگری و تأمین مخارجش را ندارد؛ اما چون مسلمان نیست، لذا کسی متکفلش نشده و مجبور است گدایی کند. امیرمؤمنان علی(ع) نهبی به اطرافیان زده و فرمودند: «تا نیرو داشت و می‌توانست کار کند، جوانی و توانش را به کار گرفتید و حال که سالمند و از کار افتاده شده، رهایش کرده‌اید و آبرومندانه مخارجش را تأمین نمی‌کنید!! سپس فرمود: از بیت‌المال برایش ماهیانه مقرر کنید» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۳).

۳-۴-۴. رفع اختلاف‌ها

رفع اختلاف‌های بین شیعیان یا با دیگران با هدف کاستن آسیب‌ها، از دیگر اقدامات اجتماعی اهل‌بیت(علیهم‌السلام) بود. آنان سعی کردند تا مردم را به ترک خصومت که نتایج زیان باری برای جوامع دارد، سوق دهند و به جای آن به صلح و دوستی روی آورند تا با همدلی بسیاری از مشکلات حل گردد. به عنوان نمونه، امام صادق(ع) چهارصد درهم به مفضل بن عمر داد تا به وسیله آن، مشاجره مالی یکی از شیعیان، یعنی ابوحنیفه سائق الحاج و دامادش در باب میراث را حل و فصل نماید. ایشان خطاب به مفضل درباره این اقدام خود فرمود: «ای مفضل! هنگامی که دیدی بین دونفر از شیعیان ما اختلاف مالی وجود دارد، از اموال من نزاع آنان را برطرف کن» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۳، ص ۴؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۱۵).

۳-۴-۵. جامعه پذیر کردن مردم (ارشاد)

یکی دیگر از اقدامات اساسی اهل‌بیت(علیهم‌السلام)، جامعه پذیر کردن مردم بود. در جامعه پذیر کردن مردم، توجه و تأکید بر ارشاد امت یا تبیین رفتارهای صحیح اجتماعی و زندگی مسالمت آمیز با دیگران نیز هست. به عنوان نمونه، امام صادق(ع) در راستایی تقویت روحیه جامعه، دستورات زیادی به شیعیان چنین سفارش فرمود: «کرامت‌های اخلاقی ده تا است. پایداری در نبرد، راست گفتاری، امانتداری، صلح رجم، میهمان نوازی، اطعام فقیر، جبران نیکی‌ها، رعایت حقوق همسایه، دفع ضرر از رفیق و برترین آن‌ها حیا است» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱). پرهیزدادن شیعیان از ناسزاگویی (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۴)، پرهیز از عصبانیت و تحقیر همدیگر، سفارش به خوش اخلاقی، مدارا با دشمن (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۸۷، ح ۴۹)، هم صحبتی با مردم خردمندی، صبر، از دیگر دستورات اخلاق اجتماعی امام صادق(ع) نسبت به اصحاب بود (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۳۷، ح ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۳، ص ۱۴). حضور در اجتماع و انجام فعالیت‌های اجتماعی نیز همواره مورد توجه امام

صادق (ع) بود و شیعیان را نیز بر آن سفارشان می‌کرد. ایشان، خطاب به شیعیان فرمود: «شما مجبور به زیستن با مردم هستید؛ در حقیقت کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد و ناچار مردم باید با همدیگر سازش داشته باشند» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۱).

با رواج بی‌بندوباری و نقش امویان و عباسیان در مشغول کردن مردم به آن‌ها و اکتفا کردن به ظواهر مسلمانی، اما اهل بیت (علیهم السلام) تلاش داشتند تا مردم را از این ظوار عبور داده و باطن و مفهوم حقیقی دین را آموزش دهند. به عنوان نمونه، امام سجاد (ع) فرمود: «محبت و دوستی در راه خدا و همکاری در اعمال شایسته را از دست ندهید؛ زیرا این دو ریشه شیطان را می‌کنند؛ اگر قاتل علی بن ابی طالب (ع) امانتی به من سپارد به او بازگردانم؛ خدا آدم لعنت‌گر، دشنام‌گو، طعنه‌زن، زشت‌گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن دارد و مردم بردبار، عقیف و پارسا را دوست دارد» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۹-۲۹۸).

بیان‌گر دید که یکی از کارهای اساسی در جامعه پذیر کردن مردم، پایبند کردن آنان به دستورات اجتماعی مبتنی بر دین اسلام است. اهل بیت (علیهم السلام) سعی کردند تا در هدایت‌گری این پایبندی اصحاب را به یک جریان و نقش حداکثری تبدیل کنند. چنان‌که امام صادق (ع) به شیعیان امر می‌کرد تا به اصولی پایبند باشند و تأکید داشتند که با این کار، زینت ما باشید (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۴۰)؛ ایشان همچنین، خطاب به یکی از اصحاب خود به نام خَیْثَمَه فرمود: «سلام ما را به شیعیان برسان و آنان را به تقوای الهی، کمک توانگران به فقرا و ناتوان، حضور در تشییع جنازه و صلّه رحم سفارش کن، زیرا برخورد آنان - مایه - زنده شدن - ولایت - ما است؛ سپس دست به دعا برداشت و فرمود: خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۲) همچنین خطاب به زید شَحّام فرمود: «به هرکس از مردم - کوفه - که فکر می‌کنی از من اطاعت کرده و به گفتار من عمل می‌کند، سلام من را برسان و برای یادگیری نزد او برو. هر کس از شما که در دینش پارسا، راستگو، امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقتش با مردم خوب باشد، می‌گویند: این جعفری است و این من را شاد می‌کند و می‌گویند: این از آثار تعالیم جعفر بن محمد (ع) است» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۵).

۳-۵. نظارت بر رفتارها

کنترل و نظارت بر باورها، رفتارها و ارزش‌های شیعیان یا نهی از انجام فعالیت‌های اخلاقی و ناهنجاری‌ها نیز از دیگر اقدامات تربیت اجتماعی امام صادق (ع) بود. چنان‌که ایشان با یاد دادن آداب آموزشی به ابوبصیر، او را از شوخی کردن با زنان برحذر داشت و ابابصیر از این کار پشیمان گردید (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۰۴). در گزارش دیگری، ابراهیم بن مهزّم گوید: «ما هنگامی که وارد مدینه شدیم، در منزلی ساکن شدیم؛ صاحب منزل کنیز زیبایی داشت و من فریفته او شدم؛ در این بین، پشت در رفتم و تقاضا کردم در منزل را باز کند؛ وقتی کنیز در را باز کرد، من پستان او را فشار دادم. روز بعد که خدمت امام صادق (ع) رسیدم، فرمود: ای مهزّم امروز کجا بودی؟ عرض کردم

من در مسجد بودم و از آن جا بیرون نشدم، حضرت فرمود: نمیدانی کسی به ولایت ما نمی‌رسد، مگر این که تقوی و ورع داشته باشد» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۳).

نظارت معصومان بر رفتارها تنها انحصار به شیعیان نداشت، بلکه رفتارهای ناهنجار خلفا را نیز بررسی و تذکرات لازم را بیان می‌کردند. به عنوان نمونه، در گفت و گویی که امام صادق (ع) با منصور عباسی دارد، یکی از این مشکلات اجتماعی مردم که امام به آن اشاره کرد، کم فروشی در وزن است و از منصور درخواست کرد تا ضمن نظارت، به اصلاح این گونه امور بپردازد (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۳۶، ح ۷).

۳-۴. اجرای حد بر متخلفان

افزون بر نظارت، گاهی لازم است تا بر مرتکبان به فسادهای اجتماعی که قابلیت اصلاح با روش هدایت‌گری را ندارند، حدود الهی را اجرا کرد. برخلاف خلفای اموی و عباسی که نسبت به اجرای حدود مبتنی بر قرآن و سنت نبوی، کوتاهی می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۳۶، ح ۱)، اما رسول الله (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) که مدتی خلافت کردند به اجرای حدود اهتمام جدی داشتند. به عبارت دیگر، زمانی که مجرای برای اصلاح متخلفان و مخالفان پیدا نمی‌شد یا آن که آنان حاضر به اصلاح نبودند، امیرمؤمنان علی (ع) به اجرای حد بر آنان می‌پرداخت تا از این طریق، جامعه را پالایش کند (به عنوان نمونه ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴۷). امیرمؤمنان علی (ع) در اجرای حد بین کسی تفاوت قائل نمی‌شد و به فرد آزاد، بنده، یهودی و مسیحی به سبب نوشیدن شراب، هشتاد تازیانه می‌زد؛ زیرا غیرمسلمانان مجاز نیستند در جامعه و بازار مسلمانان تخلف کنند» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۳۹، ح ۷) آن حضرت همچنین، یک دزد را که سه مرتبه دزدی کرده بود، دو مرتبه حد زد و در مرحله سوم او را زندانی کرد (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۲۳، ح ۴).

۴. ارزیابی سیره اهل بیت (علیهم السلام)

در ارزیابی سیره اهل بیت با هدف کاستن و اصلاح آسیب‌ها، شاهد تغییرات اساسی در جامعه هستیم. یکی از مهمترین آثار چنین تلاشی شکل‌گیری جامعه شیعه بود که خود را پایبند به شریعت و اطاعت از امام می‌دانست. به عنوان نمونه، امام باقر (ع) درباره نتیجه تعلیم آموزه‌ها در رشد تربیت اجتماعی شیعیان فرمود: «به خدا سوگند پدرم برای من نقل کرد که مردی از شیعیان علی (ع) در قبیله‌ای که زینت آنان به شمار می‌رفت، از همه آنان در پرداخت امانت بهتر و حقوق شان را بهتر مراعات می‌کرد. در گفتار راستگوتر، سفارشات و همه وصیت‌های اهل قبیله را آنان به او می‌سپردند. چون درباره او پرسش می‌کردی می‌گفتند: چه کسی مثل فلان کس است؟ او در پرداخت امانت و راستگویی از همه ما بهتر است» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۵).

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی و شناسایی آسیب‌های اجتماعی عصر حضور اهل بیت (علیهم السلام)، این نتیجه حاصل گردید که تعدادی از زمینه‌ها و عوامل مهم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر گسترش آن‌ها تأثیر به‌سزایی داشته است. در این میان، نقش حاکمان و ساختارهای نظام قبایلی به دلیل تأثیرات بنیادین، بیشترین بستر را فراهم کردند تا جامعه اسلامی به یک جامعه ناهنجار تبدیل گردد. در مقابل این روند، اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان خلیفه و امام حق تمام تلاش خود را بر این گذاشتند تا راه کارهای متنوعی را برای مدیریت این بحران اجتماعی برگزینند. می‌توان گفت، نظام امامت الهی که وظیفه هدایت مردم و حراست از اسلام را داشت، بر کنترل یا اصلاح آسیب‌ها بسیار تأثیرگذار بود. معصومان بر این امر تأکید داشتند که استقرار حکومت الهی و پایبند کردن مردم به سیره قرآن و سنت، باعث کاهش بسیاری از آسیب‌ها است. در روش آنان، کسانی هم که نسبت به عواقب رفتار خود آگاه نبودند، باید به آنان بصیرت دارد و در صورت تجری کسی از حکم شرعی و تأکید بر تخلف مجدد، باید بر او حدود شرعی را جاری کرد تا جامعه پاک‌سازی گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، (۱۴۰۹ق)، المصنف، تحقیق سعید اللحام، الطبعة الاولى، بیروت: دارالفکر.
- ابن اعثم کوفی، احمد، (۱۴۱۱ق)، الفتوح، تحقیق علی شیری، الطبعة الأولى، بیروت: دارالأضواء.
- ابن‌انس، مالک، (۱۴۰۶ق)، الموطأ، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، چاپ اول، تهران: جهان.
- _____، (۱۴۰۰ق)، الامالی، چاپ ششم، تهران: نشر کتابچی.
- _____، (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____، (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة.

- ابن حنبل، احمد، (بی‌تا)، *مسند*، چاپ اول، بیروت: دارصادر.
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، *دعائم الاسلام*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البيت (عليهم السلام).
- _____، (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (عليهم السلام)*، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۱۸ق)، *الطبقات الكبرى*، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سلام، ابو عبیده قاسم، (۱۴۰۸ق)، *الاموال*، تحقیق محمدخلیل هراس، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول (عليهم السلام)*، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب (عليهم السلام)*، چاپ اول، قم: علامه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۲۱ق)، *جامع بیان العلم وفضله*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب.
- ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد، (۱۴۰۹ق)، *العقد الفريد*، الطبعة الاولى، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ق)، *کامل الزیارات*، الطبعة الأولى، نجف: دارالمرتضویه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، الطبعة الأولى، بیروت: دارالفکر.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد، (۱۴۰۶ق)، *مشیر الأحرار*، چاپ سوم، قم: مدرسه امام مهدی (ع).
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ق)، *الاعانی*، الطبعة الأولى، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷ق)، *انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زکلی، الطبعة الأولى، بیروت: دارالفکر.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، (۱۳۵۳)، *الغارات*، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- جوهری، احمد بن عبدالعزیز، (بی‌تا)، *السقیفة و فداک*، چاپ اول، تهران: مکتبه نینوی الحدیثة.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، *قرب الاسناد*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت (عليهم السلام).

- سيد رضی، محمد بن حسين موسوی، (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، نسخه صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت.
- شوقي ضيف، احمد، (بی تا)، *الشعر و الغناء في المدينة و مكة لعصر بني امیه*، چاپ سوم، قاهره: دارالمعارف.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (عليهم السلام)*، چاپ دوم، قم: کتابخانه آيت الله مرعشي نجفی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاريخ الامم و الملوك*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، الطبعة الثانية، بيروت: دار التراث العربي.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البيان في تفسير القرآن*، الطبعة الاولى، بيروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذيب الاحكام*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- _____، (۱۴۰۹ق)، *اختيار معرفة الرجال*، چاپ اول، مشهد: دانشگاه مشهد.
- _____، (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، چاپ اول، قم: دارالثقافة.
- علی، جواد، (۱۹۶۸م)، *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*، بيروت: دارالعلم للملایین.
- قمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۱)، *تاريخ قم*، ترجمه حسن بن علی قمی، چاپ اول، تهران: نشر توس.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۴ق)، *الکافی*، تحقيق علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- لثی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، چاپ اول، قم: دارالحديث.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال*، چاپ اول، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقيق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دارالهجرة.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- _____، (۱۴۱۳ق)، *الارشاد في معرفة حجج الله على العباد*، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- _____، (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.

دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (پیاپی ۶)

- منقری، نصرین مزاحم، (۱۴۰۴ق)، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، الطبعة الثانية، قاهره: المؤسسة العربية الحديثة.
- نسائی، احمد بن شعیب، (۱۴۱۱ق)، *السنن الکبری*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *المغاری*، تحقیق مارسدن جونز، الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- یعقوبی، احمد بن ابی واضح، (بی تا)، *التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- <http://www.hamyaraniran.ir/article/?o=80>